

سناریوهای آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

محمد رضا مجیدی*

الله خانی آرانی**

محمد عبداللهی***

چکیده

موضوع چشم‌انداز آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی مسئله‌ای حائز اهمیت در محافل علمی و سیاسی به شمار می‌رود. این موضوع با توجه به ظهور گروهک‌ها و عملیات تروریستی در خاورمیانه و کشورهای اروپای غربی، ابعاد امنیتی و سیاسی ویژه‌ای گرفته است. در این پژوهش، با توجه به روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی، سناریوهای ممکن و محتمل در خصوص آینده اسلام و مسلمانان در اروپا مطرح شده است. چهار سناریوی خوشبینانه: همزیستی و تنوع فرهنگی و آزادی عمل مسلمانان؛ سناریوی بدینانه: اسلام‌زدایی و سکولارشدن اسلام؛ سناریوی معجزه: غالب شدن اسلام بر اروپا و سناریوی فاجعه: انزواج ذهنی و عملی مسلمانان و افزایش تنش‌ها به عنوان سناریوهای ممکن و محتمل مطرح شده و سپس به ارزیابی و اعتبارسنجی هر یک پرداخته شده است. محتمل‌ترین پیش‌بینی ترکیبی از رهیافت‌های مختلف خصوصاً ادغام‌سازی و ترویج اسلام فردی و تداوم اسلام هراسی، برای آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی است.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی، اندیشه اسلامی، اسلام هراسی، اروپای غربی.

mmajidi@ut.ac.ir

*. دانشیار دانشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و مدرس گروه معارف اسلامی.

ui_cut@yahoo.com

**. دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی.

mabd31179@gmail.com

****. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۴

مقدمه

مسلمانان حدود ۴ درصد (تقريباً ۱۴ ميليون نفر) از کل جمعيت اروپاي غربي را شامل می‌شوند، اما آينده آنها با در نظر گرفتن مسائلی چون جمعيت روزافرون و رشد اسلام در اين منطقه، مهاجرت، ظهور تروريسم تکفيري و تروريسم اروپائي و ... سبب شده وضعیت مسلمانان در اين منطقه، حائز اهمیت و بسیار کليدي باشد.

برخی تحليلگران، آينده اروپاي غربي را از آن اسلام می‌دانند و اروپاي آينده حتی يك قرن آينده را يك «اروپاي اسلامي» ترسیم می‌کنند و در مقابل، تحليلگران ديگري معتقدند مسلمانان روزبه‌روز در اروپاي غربي منزوی‌تر و سکولارتر می‌شوند و نهايتأً از اسلام جز يك دين خصوصی شده و مطروح چيزی در اروپا نخواهد ماند. عده‌ای نيز بر اين باورند که مسلمانان و ديگر آحاد جامعه اروپاي غربي سرانجام به همگرايی و همزیستی مسالمت‌آميز خواهند رسید و با صلح و آرامش خواهند زیست. به راستی چه آينده‌ای در انتظار مسلمانان اروپاي غربي است؟ کدام عوامل سبب انزوا یا رشد مسلمانان اروپاي غربي می‌شود و کدام زمينه‌ها آينده آنان را رقم می‌زنند؟ اين سؤالات و پاسخ آنها موضوع پژوهش حاضر است.

چارچوب نظری

آينده‌پژوهی^۱ به مطالعه روشنمند آينده، تجسم آينده‌های بالقوه و مهندسي هوشمندانه آينده اطلاق می‌شود. آينده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغیير و یا ثبات به تجسم آينده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها پرداخته می‌شود. آينده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغييرات (یا تغيير نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌يابد. گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردروزانه، در مورد نه فقط «يک آينده» بلکه «چندین آينده متصور» مبادرت می‌شود. (محمدحسیني و ديگران، ۱۴۰۲: ۸)

شروع علمی آينده‌پژوهی به انتشار کتاب «هنر حدس زدن» نوشته دوزوئل^۲ در ۱۹۴۶ و کتاب «تصویر آينده» نوشته پولاک^۳ در ۱۹۵۱ و باز می‌گردد و شروع کاربردی آينده‌پژوهی نيز تشکيل مؤسسه رند^۴ در سال ۱۹۴۵ در آمريكا بود. آينده‌پژوهی شامل دو پارادایم عمده است: آينده‌نگری^۵ و

-
1. Futures Study.
 2. Bertrand de Jouvenel.
 3. Frederik Lodewijk Polak.
 4. The RAND Corporation.
 5. Forecasting.

آینده‌نگاری.^۱ آینده‌نگری بیشتر در پی کشف و پیش‌بینی آینده است و دیدن آنچه در آینده رخ خواهد داد. اما آینده‌نگاری در پی نگاشت آینده است و خلاقانه و فعالانه به دنبال ساخت آینده مطلوب است؛ نه فقط کشف و نگرش در آن و لذا آینده‌نگاری، هنجاری و تجویزی است. براساس این دو پارادایم، آینده‌پژوهی دربرگیرنده سه‌گونه اصلی «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند. (برايسون، ۱۳۹۱) آینده‌پژوهی می‌کوشد تا با تصویر و ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و ارائه اطلاعات و آگاهی‌های نسبتاً قوی بستری را فرا روی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه فراهم نمایند.

۱. انواع آینده

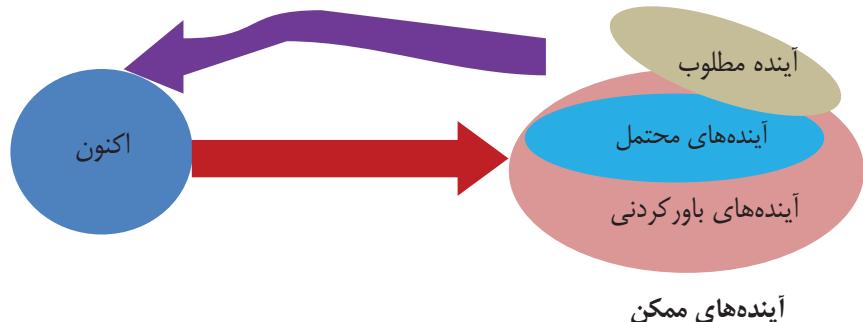
یک. آینده‌های ممکن:^۲ شامل تمامی وضعیت‌های ممکنی است که می‌تواند در آینده اتفاق بیفتد.

دو. آینده‌های باورکردنی:^۳ آن دسته از موقعیت‌هایی که می‌تواند در آینده تحقق یابد. یا آن آینده‌هایی که براساس دانش فعلی بشر امکان‌پذیر است

سه. آینده‌های محتمل:^۴ آینده‌هایی که وقوع آنها از امکان بیشتری نسبت به سایر آینده‌های ممکن برخوردار است و به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست. به عنوان نمونه ادامه روندهای فعلی از جمله آینده‌هایی است که احتمالاً اتفاق می‌افتد.

چهار. آینده‌های مرجع یا مطلوب:^۵ آنچه مطلوب‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود. (خزایی و

محمودزاده، ۱۳۹۳: ۱۴۳)



1. Foresighting.
2. Possible Futures.
3. Plausible Futures.
4. Probable Futures.
5. Desirable Futures.

از جهت زمانی، آینده شامل چهار آینده نزدیک، کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت است. آینده نزدیک، به زمان حداقل تا یک سال گفته می‌شود، آینده کوتاه‌مدت، بین یک تا پنج سال، آینده میان‌مدت، بین پنج تا بیست سال و آینده درازمدت، بین بیست تا پنجاه سال.

۲. روش‌های آینده‌پژوهی

روش‌های مختلفی برای پیش‌بینی آینده وجود دارد که بسته به موضوع پژوهش می‌توان از آنها کمک گرفت. معروف‌ترین این روش‌ها عبارتند از: روش توفان فکری،^۱ دیده‌بانی،^۲ روش دلفی،^۳ روش تجزیه و تحلیل روند،^۴ روش تجزیه و تحلیل پیش‌ران‌ها،^۵ تدوین چشم‌انداز،^۶ تدوین نقشه راه،^۷ پسنگری،^۸ شبیه‌سازی رایانه‌ای^۹ و درنهایت سناریوپردازی.^{۱۰} سناریوها توصیفی قصه‌گونه و تصاویری از آینده محتمل هستند. سناریوها از اطلاعات مربوط به روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. سناریونگاری روشی برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است. (وحیدی مطلق، ۱۳۸۷: ۴۳)

توجه به شگفتی‌سازها^{۱۱} نیز یک اصل دیگر آینده‌پژوهی است. شگفتی‌سازها رویدادهای ناگهانی و بی‌نظیر (مثل حادثه ۱۱ سپتامبر) هستند که نقطه تغییر در مسیر تکامل یک روند یا سیستم به‌شمار می‌روند و پیامدهای مهمی در پی دارند. شگفتی‌سازها آن قدر قوی هستند که بسیاری از امور را زیورو رود و تفکر و برنامه‌ریزی اکثر مردم را دچار تغییرات رادیکال می‌کنند. (Cornish, 1995 , p. 18 - 22)

۳. روش و گام‌های سناریونویسی

تاکنون برای روشنمند کردن سناریونویسی تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. یکی از منظم‌ترین و منسجم‌ترین شیوه‌های نگارش سناریو، توسط شرکت شل انجام شده و متغیران این

1. Brainstorming.
2. Horizon Scanning.
3. Delphi.
4. Trends Analysis.
5. Drivers Analysis.
6. Visioning.
7. Roadmap.
8. Back Casting.
9. Computer Simulation.
10. Scenario.
11. wild card.

مجموعه خصوصا پیتر شوارتز نقش مهمی در تبیین فرایند این روش داشته‌اند. پیتر شوارتز در کتاب «هنر دورنگاری» هشت گام را برای سناریونویسی ترسیم می‌کند. اما این مراحل، براساس موضوع مقاله در قالب ۴ گام اصلی ساده‌نویسی شده است:

گام اول: فهرست کردن عوامل و نیروهای کلیدی ۱ و شناسایی نیروهای پیشران (محرك) شکل‌دهنده و مؤثر بر نیروهای کلیدی: مجموعه‌ای از عوامل کلیدی و روندها و نیروهای کلان و پیشران وجود دارند همچون نیروهای پیشران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، زیست محیطی و فناورانه که بر پیش‌بینی آینده تأثیر می‌گذارند. در گام اول، این نیروها و پیشران‌ها فهرست می‌شوند.

گام دوم: رتبه‌بندی عوامل کلیدی و پیشران‌ها براساس اهمیت و عدم قطعیت آنها: پس از تشخیص عوامل کلیدی خرد و نیروهای کلان و پیشران شکل‌دهنده به آنها باید آنها را مرتب کرده و میزان اثرگذاری آن را بر روند رویدادها مشخص کرد. هدف از این رتبه‌بندی، یافتن دو یا سه عامل یا روندی است که اهمیت زیاد و کمترین قطعیت را دارند.

گام سوم: تدوین سناریوهای ممکن و انتخاب منطقه‌های سناریو: در این گام براساس نیروهای کلیدی و پیشران، انواع سناریوهای ممکن ارائه و عرضه می‌شود. هر نوع سناریویی که به ذهن خطور می‌کند با هر درجه از قطعیت بیان می‌گردد تا در مرحله آخر بنا به میزان قطعیت هریک، سناریوی احتمالی اصلی مشخص شود.

گام چهارم: تدوین سناریوهای احتمالی.

گام‌های سناریوپردازی درباره آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

گام ۱. عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر بر وضعیت و آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

۱. تاریخ روابط اسلام، مسلمانان و اروپای غربی؛
۲. دولتهای اروپایی و مسلمانان؛
۳. احزاب، حرکت‌ها و گروههای ضداسلامی؛
۴. احزاب حامی مسلمانان در اروپای غربی؛
۵. مؤسسات و سازمان‌های اسلامی در اروپای غربی؛
۶. جریان‌های فکری و هویتی عمدۀ اسلامی در اروپا (وهابیت، اخوان‌المسلمین، اسلام دولتی ترکیه، شیعیان و ...);

1. Key Forces.

۷. اسلام‌هراسی؛

۸. تبعیض علیه مسلمانان.

- پیشران‌های مؤثر با توجه به روند تغییر وضعیت اسلام و مسلمانان در اروپای غربی یک. تغییرات جمعیتی مسلمانان اروپای غربی (بررسی آماری مسلمانان و پراکنش جغرافیایی) دو. نمایانی هویت اسلامی در اروپای غربی سه. جایگاه و وضعیت حقوقی مسلمانان در کشورهای اروپای غربی چهار. جایگاه اجتماعی مسلمانان در اروپای غربی پنج. وضعیت سیاسی مسلمانان در اروپای غربی شش. روند سکولاریزاسیون مسلمانان

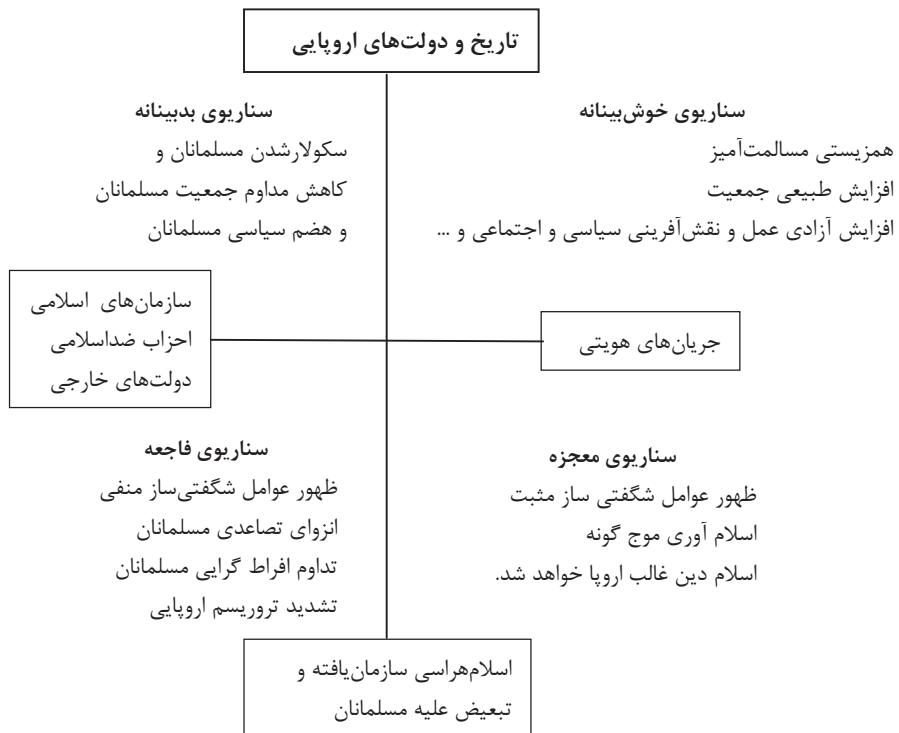
گام ۲. نیروهای کلیدی و پیشran به ترتیب اهمیت آنها عبارتند از:

میزان اثرگذاری	نیروهای کلیدی و پیشran
۵	دولت‌ها
۴	اسلام‌هراسی و روند سکولاریزاسیون مسلمانان
۴	تغییرات جمعیتی مسلمانان اروپای غربی
۴	تغییرات هویتی و نمایش هویت اسلامی در اروپای غربی
۴	جریان‌های خارجی
۴	وضعیت حقوقی و سیاسی مسلمانان اروپای غربی
۳	احزاب و گروه‌های موافق و مخالف
۲	تاریخ
۲	ذهنیت‌ها و تبعیض‌های عملی علیه مسلمانان

گام ۳. خلق سناریوهای آینده اسلام و مسلمانان در اروپا

بحث بر سر چشم‌انداز آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی بحثی جدی، حائز اهمیت و داغ در محافل علمی و سیاسی این کشورها است. بحثی که با توجه به ظهور گروه‌های و عمليات تروریستی در خاورمیانه و کشورهای اروپای غربی، ابعاد امنیتی و سیاسی ویژه‌ای دارد. در خصوص آینده ممکن اسلام و مسلمانان در اروپا با توجه به عوامل کلیدی، روندها و پیشran‌های یادشده، چند سناریو توسط نظریه‌پردازان و نخبگان این حوزه و محافل آکادمیک و سیاسی مطرح شده است. این سناریوها به دو دسته سناریوهای ممکن و محتمل قابل تقسیم است:

یک. سناریوهای ممکن آینده اسلام در اروپا



(الف) سناریوی خوش‌بینانه: همزیستی و تنوع فرهنگی و آزادی عمل مسلمانان

سناریوی اول، ظهور اسلام به عنوان یک منبع هویت‌ساز بر جسته برای نسل دوم و سوم مسلمانان در اروپاست. اسلام به عنوان یک هویت مطرح شده که پیرامون آن حرکت و جنبش و تحرک سیاسی در داخل جوامع مسلمان اروپا شکل می‌گیرد و گفتمانی است که به طور فزاینده‌ای همگرایی و همبستگی مهاجران را شکل می‌دهد. استفاده از اسلام به عنوان یک مقوله سیاسی نقطه کانونی این سناریو است.

طبق سناریو پیش‌گفته، این پیش‌بینی وجود دارد که دولت‌های غربی سرانجام به ناکارآمدی سیاست تک‌فرهنگ‌گرایی، اسلام‌هراسی و تضعیف و تحديد و فشار علیه اسلام و مسلمانان پی برد و تصمیم به اتخاذ راهبرد چند‌فرهنگ‌گرایی بگیرند. طبق این سناریو، درنهایت اروپا ناچار خواهد شد میراث اسلامی در اروپا را پس از میراث‌های یهودیت - مسیحیت و یونانی - رومی به عنوان یکی دیگر از ستون‌های تمدن اروپا به رسمیت بشناسد. آنها مسلمانان را مثل یهودیان و مسیحیان در انجام مناسک و ارزش‌های دینی خود آزاد گذاشته و تمهیدات بیشتری برای بهبود کیفیت زندگی مسلمانان فراهم خواهند آورد. رعایت احترام متقابل و پذیرش اسلام به عنوان دینی صلح‌طلب و آرامش‌آور، فرض اصلی این سناریو است.

طارق رمضان، متکر مسلمان از جمله معتقدان و تئوریزه‌کنندگان این سناریو است. او در کتاب «مسلمانان غرب و آینده اسلام» به شدت از سندروم اقلیتی که بسیاری از مسلمانان و یا گروه‌های به حاشیه رانده شده از آن رنج می‌برند، انتقاد می‌کند و ضمن قبول این مطلب که بسیاری از مسلمانان غرب با تبعیض‌های مختلف از جمله دشمنی و ترس روزافزون از اسلام و نژادپرستی روبه‌رو هستند، از آنها می‌خواهد ذهنیت در اقلیت بودن را از خود دور کنند. او از مسلمانان می‌خواهد فعالانه و از طریق شیوه‌های نوین و خلاقانه در جامعه، خوبی را ترویج کنند و با بدی بجنگند و گفتگوی میان ادیان را به عنوان یک نیاز ضروری جدی بگیرند.^۱

(ب) سناریوی بدینانه: اسلام‌زدایی و سکولار شدن اسلام و مسلمانان (اسلام بدون شریعت)
سناریوی مدنظر شمار اندکی از مسلمانان اروپا به‌ویژه روشنفکران سکولار، مسیر هضم و ذوب کامل مسلمانان در فرهنگ غربی، فرهنگ‌پذیری و اسلام‌زدایی است. آنها معتقدند مسلمین اروپایی به تدریج جذب فرهنگ و جامعه اروپایی خواهند شد و فرهنگ اروپایی نیز متقابلاً چنین اسلامی را در درون خود خواهد پذیرفت. این سناریو بر آن است که به مرور زمان، مسلمانان اروپایی دیگر اسلام را نه به عنوان دین و ایدئولوژی بلکه به عنوان بخشی از تمدن و فرهنگ اسلامی تلقی خواهند کرد. الیویه روا، بایی سعید و ... از طرح کنندگان این سناریو و تجویزات دنباله آن هستند.

الیویه روا، از تئوریسین‌های ایده «اسلام اروپایی» از این قبیل متفکران است که شکل آینده اسلام در اروپا را «اسلام سکولار» می‌داند. روا، وضعیت آینده مسلمانان در غرب را تشکیل اجتماعی از مسلمانان به عنوان زیرمجموعه فرهنگی غرب توصیف می‌کند و به صراحت آینده‌ای جز سکولار شدن و بسته کردن به ایمان شخصی و فردی را برای مسلمانان اروپا متصور نیست: «این جامعه مسلط و غالب است که نه تنها جایگاه بلکه ماهیت آنچه را به نام «جامعه مسلمانان» می‌نامیم، تعریف و مشخص می‌کند. آنچه ما تحت عنوانی مختلف شاهد آن هستیم درواقع تلاش‌هایی است که اسلام به عنوان فقط یک «مذهب ساده» بر مبنای ایمان شخصی و آزادی فرد به گرویدن (یا نگرویدن) به جامعه مسلمانان ساخته شود». (روا، ۱۳۸۷: ۹۳) او رادیکال شدن اسلام در اروپا را نتیجه غربی شدن مسلمانان در اروپا می‌داند که به علت شکاف میان شرایط اجتماعی اروپا و سبک‌های زندگی سنتی مسلمانان به وجود آمده است. (Roy, 2003: 63-74)

آیهان کایا نیز معتقد است نسل جوان مسلمانان اروپا با تمایز میان تلقی از اسلام به عنوان یک «فرهنگ» و یک «مذهب»، دین سنتی والدین خود را به عنوان یک «فرهنگ» کاملاً نمی‌پذیرند و با

1. Ramadan, Western Muslim & The Future of Islam.

استفاده از اینترنت و ابزارهای نوین ارتباطی در جستجوی اسلام به عنوان یک «مذهب» و نه یک «سنت» هستند. (Kaya, 2010: 52)

هابرماس می‌گوید:

ما امروزه در اروپای غربی از چیزی به نام «اسلام اروپایی» سخن می‌گوییم. مقصود ما از این عبارت این است که دین اسلام، دین گروههای مسلمان در جوامع غربی، دارد همان پروسه هضم معرفتی را از سر می‌گذراند. دین برای این افراد دیگر منجی برای استخراج جهانبینی بهشمار نمی‌رود، این همان چیزی است که من به آن «فروپاشی» می‌گوییم. (هابرماس، مجله معرفت، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

راهکار و تجویز اتفاق فکر نظام سرمایه‌داری غرب برای این چالش عمیق و این سناریو، سکولارسازی عقاید مسلمانان اروپا و اصطلاحاً جذب و هضم آنها در سکولاریسم اروپایی است. آنچه در محافل سیاسی و رسانه‌ای ایده «اسلام اروپایی» خوانده می‌شود و ایجاد جریان موازی اسلامی از نوع لیبرال و ایجاد شبکه مسلمانان سکولار و معتقد به «اسلام سکولارشده» را مدنظر دارد. «برای نمونه بنگاه پژوهش رند^۱ یکی از مهم‌ترین مراکز استراتژیک پژوهشی و سیاست‌گذاری امریکا در گزارش ۲۱۷ صفحه‌ای خود، طرح ایجاد «شبکه‌های مسلمان میانه‌رو»^۲ را به عنوان راه حل نهایی جهت مهار جریانات اسلام‌گرا به‌ویژه افراط‌گرایی مطرح نموده و معتقد است که با ایجاد چنین شبکه‌ای می‌توان در نبرد غرب با اسلام بهره جست. (Rabasa and others, 2007) دولتمردان اروپایی بر این باورند که راه حل مقابله با ورود اندیشه‌های افراطی از خاورمیانه به سایر مسلمانان، معکوس‌سازی این روند و ارسال نسخه اروپایی اسلام به دیگر نقاط جهان اسلام است. برهمنی اساس، آنها شبکه‌سازی از مسلمانان سکولار در گروههایی همچون: دانشگاهیان و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار، محققان دینی معتدل جوان، فعالان اجتماعی، فمینیست‌ها، روزنامه‌نگاران و نویسنده‌گان معتدل (لیبرال) را در دستور کار خود قرار داده‌اند. فرانسیس فوکویاما بیان می‌کند: «ناکامی اروپا در جذب بهتر مسلمانان به عنوان یک بمب ساعتی است». (Fukuyama, 2006: 5 - 20)

اسلام تجویزی در این رویکرد که با تعابیری چون «اسلام اروپایی»، «اسلام فرهنگی»، «اسلام لیبرال» و... شناخته می‌شود، اسلام لیبرالی است که در عرصه دینی فارغ از دغدغه شریعت‌گرایی و یا حداقل فارغ از دغدغه قضاوت شریعت‌گرایانه است. آنها اسلام را در حد یک معنویت‌گرایی کاهش می‌دهند و به راحتی بسیاری از سمبول‌ها و نشانه‌های اسلامی در نوع پوشش، نوع تغذیه، انجام مناسک

1. The Rend Corporation.
2. Building Moderate Muslim Network.

اسلامی و قواعد تعامل اسلامی را کنار گذاشته و یا نسبت به آن بی‌تفاوت هستند. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۴) این سناریو الگویی از «شبیه شدن» با جوامع اروپایی را مطرح و فرض می‌کند اسلام به تدریج به بخشی از حوزه خصوصی تبدیل شده و در چارچوب مرزهای مشخص قلمرو مذهب ادامه می‌یابد و درنهایت با الگوی مسلط دینی در اروپا همنوا می‌گردد. چنین دیدگاهی از سوی روشنفکران مسلمان همچون محمد طلبی تونسی، محمد سعید العشماوی مصری و نظریه‌پردازان سکولار چون محمد ارغون، فاطمه مرنیسی و بسام طبیبی مطرح می‌شود. نویسندهای مختلف تلاش کردند از «فردی‌شدن اعتقادات دینی به عنوان یک تحول عمدی در جوامع مسلمان اروپا» (Peter, 2006: 105) یاد کنند. یکی از طرفداران اصلی این دیدگاه، ژاکلین سزاری از صاحب‌نظران بحث اسلام در اروپاست که معتقد است ورود مسلمانان به چارچوب تکثیرگرای اروپا منجر به ظهور «فرد مسلمان»^۱ خواهد شد و تغییری را رقم خواهد زد که هنوز به کشورهای اسلامی نرسیده است. (*Ibid*)

ج) سناریوی معجزه: غالب شدن اسلام بر اروپا (اسلام اروپا را خواهد گرفت)

این سناریو توسط دو دسته یعنی لاییک‌های تندری و محافل صهیونیستی در اروپای غربی و آمریکا و نیز برخی مسلمانان آرمان‌گرا مطرح می‌شود. برنارد لوئیس، بروس باور، بات یعور، موشه فیگلین، رابت اسپنسر از مطرح‌کنندگان مهم این سناریو هستند.

برنارد لوئیس اظهار می‌داد که اروپا حداکثر تا پایان قرن بیست و یکم اسلامی خواهد شد:

اروپا جزئی از غرب، عرب یا مغرب خواهد شد. مهاجرت و روند جمعیتی این را نشان می‌دهد. اروپاییان دیر ازدواج می‌کنند و کم‌بچه‌دار می‌شوند یا اصلاً بچه‌دار نمی‌شوند. اما روند مهاجرت نیز موند است. ترک‌ها در آلمان، اعراب در فرانسه، پاکستانی‌ها در انگلیس با توجه به روندهای موجود، حداکثر تا پایان قرن بیست و یکم اکثریت مسلمانان در جمعیت اروپا سکنی خواهد یافت.

برنارد لوئیس مطرح می‌کند که «از دیدگاه بخش افراطی مسلمانان ساکن اروپا، موج سوم حمله به اروپا آغاز شده است». (Lewis, 2007: 12)

فوکویاما نیز به صراحت می‌گوید که:

مسلمانان هویت اروپاییان را تهدید می‌کنند. او از اروپاییان می‌خواهد با قوت بیشتری از هویت فرهنگی یگانه خود دفاع کنند و تسلیم مسلمانان مهاجری نشوند که جذب فرهنگ میزبان نمی‌شوند. (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)

1. Muslim Individual.

طرح‌کنندگان این سناریو، در اثبات نظر خود به شواهدی چون افزایش جمعیت مسلمانان و تقویت هویت نمایی آنان در اروپای غربی استناد می‌کنند. آنها تأکید دارند که اولاً رشد زاد و ولد مسلمانان در اروپا تقریباً رو به افزایش است. ثانیاً نسل جدید مسلمانان با اصالت غیراروپایی، گرایش بیشتری به اسلام و عمل به واجبات آن دارند تا نسل قدیم و این موضوع با بالا رفتن سطح تحصیلات و پیشرفت ارتباطات فراگیرتر می‌شود. ثالثاً نسل‌های جدیدتر، مسلمانان را نسبت به تلاش برای احقة حقوقشان جدی‌تر و اصولی‌تر کرده است. آنها به شکل نگران‌آمیزی این موضوع را مطرح می‌کنند درحالی که روزبه روز هویت مذهبی و حضور در مراسم مذهبی در کلیسا به سرعت در حال کاهش است و چهار هزار کلیسا طی ۱۵ سال اخیر تعطیل شده، مساجد در حال افزایش هستند.

اعمال فشار و ایجاد محدودیت و ممنوعیت‌های عدیده و گسترده علیه مسلمانان و مهاجران حاصل فضای هراس‌آمود تبلیغاتی این سناریو است. آنان ممنوعیت‌ها علیه مسلمانان را در راستای خطر گسترش اسلام و بازیابی روح سکولاریسم در این قاره ارزیابی می‌کنند و تأکید می‌کنند که علت این محدودیت‌ها، تصور دولت‌های اروپایی غربی از آینده اسلام در کشورشان یعنی قدرت گرفتن فراینده اسلام در این منطقه است. نظریه یورابیا (اروپایی عرب‌شده) حاصل پرورش این سناریو است. در مقابل، برخی تحلیلگران اروپایی، سناریوی اسلامی شدن اروپا و مفاهیمی چون یورابیا را اغراق‌آمیز و بدینانه و غیرواقعی می‌دانند و تنها وجه تبلیغاتی و اسلام‌هراسی برای آن قائل هستند. مت کار می‌گوید:

آنچه به عنوان یک تئوری توtheon عجیب و غریب تحت عنوان یورابیا مطرح شد به یک فانتزی خطرناک اسلام‌هراسی تبدیل شده است. (Carr, 2006: 8)

د) سناریوی فاجعه: انزوای ذهنی و عملی مسلمانان و افزایش تنشی‌ها

این سناریو «تشدید انزوای ذهنی و عملی» مسلمانان اروپا را مطرح و بیان می‌کند که شمار روزافزونی از پیروان اسلام به این نتیجه خواهند رسید که نمی‌خواهند با جوامع دیگر و فرهنگ آنها اشتراک داشته باشند و تلاش می‌کنند یک جامعه بسته برای خود بسازند.¹ استدلال این سناریو آن است که برخی گروه‌های مسلمان در اروپای غربی وجود دارند که هیچ تلاشی برای ارتقا و هماهنگی ارزش‌های خود با جامعه ندارند و بلکه سعی می‌کنند خود را تا حد ممکن از این جوامع منزوی سازند. یکی از جریان‌هایی که طرفدار جدایی مسلمانان از دیگر گروه‌ها در اروپا بوده، جماعت تبلیغی (الدعوه) است.

1. Soysal, "Changing Parameters of Citizenship and Claims - Making: Organized Islam in European Public Spheres", Kluwer Academic Publishers.

این سناریو «افراطگرایی شدید» مسلمانان و شکل‌گیری نوعی برخورد بین مسلمانان و شهروندان اروپایی را پیش‌بینی می‌کند. این الگوی مبتنی بر منازعه مطرح می‌کند که اسلام در آینده ابزاری برای اعتراض اجتماعی در دست برخی گروه‌های مسلمان اروپا خواهد بود که مورد تبعیض قرار گرفته یا خود را قربانی حاشیه‌ای شدن و محرومیت اجتماعی تلقی می‌کند. این سناریو رشد محبوبیت گروه‌های تکفیری چون حزب التحریر و پیوستن شماری از مسلمانان و غیرمسلمانان اروپایی به داعش و ... را پیش‌بینی می‌کند.



دو. سناریوهای محتمل درباره آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی
اینکه کدامیک از این سناریوها شامل: اسلام‌زدایی، شبیه شدن به اروپا، ادغام، منزوی شدن، منازعه و اسلام هویت‌ساز غالب شود به عوامل متعددی بستگی دارد.

اما آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی، احتمالات و سناریوهای محتمل‌تری را هم پیش می‌نهد. ارزیابی تغییر و تحولات عوامل مختلف طی ۴ دهه گذشته، می‌تواند به تدوین سناریوهای محتمل‌تر کمک کند. این تغییرات عبارتند از:

الف) روند دین‌گرایی، تضعیف سکولاریسم و تقویت روند ضد جداسازی^۱

تا چند دهه پیش، در غرب معاصر بسیاری از مناقشات تاریخی - مذهبی تهنشین شده و یا حداقل کاهش یافته بود. با افزایش جمیعت مسلمانان در اروپای غربی، معنویت‌گرایی نوینی در این منطقه آغاز شد که به هر صورت از غلظت سکولاریسم به نفع دین و ورود دین به معادلات سیاسی کاسته است. از همین‌رو، برخی تحلیلگران اروپایی درست برخلاف روند سکولاریسم سابق، معتقدند امروزه روند سکولاریزاسیون که به طور کلاسیک شامل جدا بودن دولت از کلیسا و پرهیز مقام‌ها از کاربرد زبان مذهبی در گفتمان سیاسی بود به تدریج در اروپا در حال تغییر شکل است. روند «سکولاریزاسیون زدایی»^۲ و دین‌گرایی در جهان امروز، رویکرد قدرتمندی است. پیتر ال برگر می‌گوید: «جهان امروز جهانی به شدت دینی است و نمی‌توان آنچنان که بسیاری از تحلیلگران نوگرا خواه از روی تفنن و خواه از روی یأس، اعلام کرده‌اند، جهانی سکولار نامید». (Berger, 1967: 3-16) ال برگر این بحث را مطرح می‌کند که انسان‌ها به یک «ساییان مقدس»^۳ برای فهم جهان نیاز دارند، زیرا بی‌معنایی تهدیدی علیه ما به یک جهان منظم است. (Berger, 1967: 3-16)

بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی نظری هدلی بال^۴ قرن بیستم را قرن گسترش فرهنگ غرب مدرن با چشم‌انداز سکولاریسم توصیف می‌کردند. (Mortimer, 1997: 7) اما در قرن بیست و یکم و هزاره جدید، عواملی آینده سکولاریسم و گسترش فرهنگ غرب مدرن را با چالش مواجه کرده که مهم‌ترین آن را می‌توان در رشد گرایش به مذهب به‌طور عام و گرایش به اسلام به‌طور خاص عنوان نمود. از این‌رو در اروپای امروز، نهاد سیاست مตکی به نهاد دین است و دین بنیان و اساس سیاست است. به همین دلایل است که جمله معروف «ساختن شهری بدون زمین آسان‌تر از ساختن دولتی بدون دین است» بیان شده است. طی چهار دهه گذشته خصوصاً از ابتدای قرن بیست و یکم ورود زبان مذهبی و معنوی در گفتمان سیاسی دولت مردان اروپایی افزایش یافته است و به علاوه بازیگران مذهبی نیز بیشتر وارد ساختار حکومتی شده‌اند.

درواقع، این روند به‌نوعی ضدجایی‌سازی مذهب / دولت را تقویت کرده است. در حالی که یکی از پایه‌های اصلی تئوری و فرآیند سکولاریزاسیون، جایی این دو است. وقتی در فضای اروپا یکی از مناقشه برانگیزترین مسائل، بحث حجاب مسلمانان و یا مناره‌های مساجد باشد، معنای عمیق‌تر آن

1. De-Differentiation.
2. Desecularization.
3. Sacred canopy.
4. Hedley Bull.

این است که «دین» در اروپای سکولار دوباره مطرح شده است. به علاوه، مشکلات شدید اقتصادی و خلاً مطلق معنویت، گرایش دوباره اروپا به دین را در پی داشته است. هرچند این مسئله به ظاهر مقاومت‌های شدیدی را پیش رو دارد. همین موضوع می‌تواند راز گرایش بیشتر به اسلام در طول دهه اخیر با وجود امواج شدید اسلام‌هراسی را بگشاید. چراکه انتظار می‌رود با تبلیغات شدید اسلام‌هراسانه، موج گرایش به اسلام کاهش یابد، ولی چنان‌که مطرح شد، عکس این انتظار اتفاق افتاده است. بدین‌ نحو که اسلام‌هراسی از یک سو در سه جهت تأثیرگذار بوده است. حساس کردن بی‌تفاوت‌ها، نفرت‌پراکنی لائیک‌ها و مسلمان کردن کنجدکاوها.

ب) تداوم اسلام‌هراسی و سکولاریسم بنیادگرا و گسترش پدیده تروریسم اروپایی (سکولار) در سال‌های اخیر کشورهایی چون فرانسه، اتریش، ایتالیا، دانمارک، انگلیس و هلند شاهد ورود جنبش‌ها و گرایش‌های حاشیه‌ای افراطی به سیاست عمومی بوده‌اند که موضوع اصلی آنها مهاجرستیزی و اسلام‌ستیزی بوده است. افراد و گروه‌هایی که نسبت به مذهب دید خوبی ندارند، آنها هم سکولاریسم را پوششی جدید از یک دین می‌دانند که سبب شده تاریخچه خشونت سکولاریسم بسیار پیچیده‌تر شود. (Bangstad, 2009: 188 - 208)

مسلمانان به‌طور نرم، ایدئولوژی سکولاریسم را به چالش کشیده‌اند. شاید به همین دلیل هم واکنش سختی به نام سکولاریسم بنیادگرا تولید شده است. سکولاریسمی که حتی گاهی به آرمان‌های خود نظیر قوانین اروپایی و آزادی هم وفادار نیست. سکولاریسم اروپایی در عصر روشنگری، در مقابل تعصب کور مذهبی و استبداد کلیسا‌ای قرار داشت و در دورانی ثبت شد که مردم اروپا از جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های مذهبی و خشونت کلیسا به ستوه آمده بودند. معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی که پس از جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی منعقد گشت، به عنوان مبدأ ثبت شد که سکولاریسم اروپایی قلمداد می‌شود. اما امروز خود اروپایی‌ها هم قبول دارند که سکولاریسم نه تنها ایده‌ای برای آزادی نیست بلکه قالبی از بنیادگرایی و تحديد آزادی‌های مذهبی است.

از سوی دیگر، اسلام‌هراسی و تبعیض آشکاری که در اجرای قوانین اروپایی به مسلمانان تحمیل می‌شود به ایجاد، گسترش و تشديد «بنیادگرایی سکولاریستی و لائیک» انجامیده است. یک نویسنده اروپایی رابطه اسلام‌هراسی و بنیادگرایی سکولاریستی فرانسوی را چنین توصیف می‌کند: «جایی دین و حکومت یکی از آن اصول جمهوری‌خواهی است که همه از آن حرف می‌زنند. اما به نظر می‌رسد سکولاریسم در فرانسه مسیر اشتباه را انتخاب کرده است. درواقع سکولاریسم به قالبی از بنیادگرایی مبدل شده است که بر ضد مسلمانان فرانسه جبهه گرفته است. سیاستمداران و

متفکرین متعددی ابراز داشته‌اند که اسلام (دین دوم فرانسه) با جمهوری‌خواهی متعارض است». (Graham, 2006: 40) از همین‌رو سکولاریسم فرانسه را تحریک کننده و ناعادلانه خوانده‌اند. «اما غالب آنکه، در فرانسه برخی سکولارتر از بقیه هستند! درحالی‌که مسلمانان مجبورند از قوانین مدارس دولت سکولار تعیت کنند، کودکان کاتولیک مختارند یکی از هزاران مدرسه کاتولیک که به طریق معکوس پایه نظام تحصیلی کشور فرانسه هستند، را انتخاب نمایند. در ضمن مدارس یهودی و پروتستان نیز وجود دارد. (Ibid: 26-45)

این گرایشات سبب ظهور و بروز پدیده‌ای جدید در اروپا با عنوان «تُروریسم اروپایی»، «تُروریسم غربی» یا «تُروریسم سکولار» شده است. تُروریسم عبارت است از خشونت علیه غیرنظامیان بی‌گناه، که برای حمایت از یک مسئله سیاسی به کار گرفته می‌شود و تُروریسم اروپایی، نوعی از تُرور توسط بنیادگرایان سکولار است که اغلب علیه مسلمانان صورت می‌گیرد. از عملیات‌های تُروریستی بسیار مهم راستهای افراطی می‌توان به حادثه تُروریستی مونیخ آلمان (۱۹۸۰)، حادثه تُروریستی ۱۹۸۳ در اروپا، حادثه اوکلاهما در امریکا (۱۹۹۵)، بمب گذاری ۱۹۹۹ لندن، حادثه تُروریستی جولای ۲۰۱۱ نروژ و ... نام برد.

حمله به مسلمانان با چاقو، اسیدپاشی، روسربی کشیدن از سر زنان، نوشتن شعارهای نژادپرستانه بر روی دیوارهای مساجد و ... از جمله شیوه‌های ابراز اعتراض و تنفر این افراد از اسلام و مسلمانان است. گزارشات برو، سازمان پیشگیری از جرایم نشان می‌دهد که اقدامات علیه مسلمانان به شکل‌های مختلف مانند دشنام و ناسزا، تف‌انداختن، نامه‌های تهدیدآمیز و یا گذاشتن سر بریده خوک جلو در مساجد افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ مورد شکایت از این‌گونه رفتارهای تهدیدآمیز به پلیس داده شد که نسبت به سال ۲۰۱۲ بیش از دوباره بود.^۱ بنا به اعلام سازمان تل ماما،^۲ حادث خیابانی و خارج از فضای مجازی از ۱۶۵ مورد در سال ۲۰۱۴ به ۴۳۷ مورد در تقویم سال ۲۰۱۵، یعنی حدود سه برابر افزایش یافته است. این آزارها علاوه بر سخنان نژادپرستانه، اذیت و آزار کلامی و زورگویی در فضای مجازی، در دنیای واقعی شامل توهین لفظی، آزار و اذیت متداول، ضرب و شتم شامل آسیب جسمانی عمدی و شدید می‌شوند.

گسترش عملیات‌های تُروریستی علیه مسلمانان درست به موازات عملیات تُروریستی گروهک‌های سلفی، جامعه اروپای غربی را دچار تنفس و نالمنی کرده است. اسلام‌هراسی سبب شده تا

1. <http://mohabatnews.com/fa/?p=16681>.

2 سازمان ثبت کننده میزان حملات ضد مسلمانان: tellmama

بازنده این سیاست خود غرب باشد به نحوی که امروزه در برخی از لایه‌های پنهان اجتماع و فرهنگ غرب، خطر بازگشت فاشیسم و نازیسم به شدت احساس می‌شود. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۴۱۷؛ ۱۳۹۹: ۴۱۷) با توجه به افزایش مداوم و مستمر این روند و همچنین حاکمیت فضای سکولار و لائیک بر افکار و عقاید قاطبه دولتمردان غربی به نظر می‌رسد اسلام‌هراسی و به‌تبع آن، افزایش خشونت‌های سکولار علیه مسلمانان همچنان طی سال‌های آتی در اروپای غربی تداوم داشته باشد.

ج) آینده جمعیتی مسلمانان اروپای غربی: کاهش شتاب و ثبات رشد جمعیتی مسلمانان آمار و ارقام مختلف و متعددی درباره آینده جمعیتی مسلمانان در اروپای غربی ارائه می‌شود. در گرایش‌های اسلام‌هراسانه، آمارها و پیش‌بینی‌ها از آینده جمعیتی مسلمانان بزرگنمایی می‌شود تا اولاً اروپایی‌ها به حضور مسلمانان حساس شوند و ثانیاً برای افزایش میزان زاد و ولد، انگیزه بیابند. برخی از این پیش‌بینی‌ها بیان می‌کنند که تعداد مسلمانان اروپا در ظرف ۳۰ سال آینده، ۳ برابر خواهد شد. براساس گزارش انجمن مرکز تحقیقات پیو (PEW) انتظار می‌رود جمعیت مسلمان جهان در ۲۰ سال آینده تا حدود ۳۵ درصد افزایش یابد و از ۱/۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ به ۲/۲۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ برسد و اگر روند کنونی به‌همین ترتیب ادامه یابد، اکثریت مسلمانان جهان (حدود ۶۰ درصد) در منطقه آسیا – اقیانوسیه سکونت خواهد کرد، حال آنکه امروز تقریباً ۲۰ درصد آنها در خاورمیانه و شمال افریقا ساکن هستند. همچنین مسلمانان ساکن اروپا و آمریکا همچنان در اقلیت باقی خواهند ماند اما بخش قابل توجهی از کل جمعیت این مناطق را به خود اختصاص خواهد داد. طبق این گزارش در اروپا نسبت مسلمانان ظرف ۱۵ سال آینده تا حدود یک سوم افزایش می‌یابد و از ۶ درصد ساکنان منطقه در ۲۰۱۰ تا ۸ درصد در ۲۰۳۰ تغییر کند.

طبق این گزارش انتظار می‌رود در انگلستان، مسلمانان ۸/۲ درصد جمعیت این کشور (در مقایسه با ۴/۶ درصد فعلی) را در سال ۲۰۳۰ تشکیل دهند. در اتریش پیش‌بینی می‌شود که مسلمانان به ۹/۳ درصد از جمعیت در سال ۲۰۳۰ برسند، اما در حال حاضر ۵/۷ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سوئد این نرخ ۹/۹ درصد (هم‌اکنون ۴/۹ درصد)، در بلژیک ۱۰/۲ درصد (هم‌اکنون ۶ درصد) و در فرانسه ۱۰/۳ درصد (هم‌اکنون ۷/۵ درصد) خواهد بود. مرکز پیو با در نظر گرفتن رشد منفی جمعیت اروپا تأکید می‌کند که بسیاری از کارشناسان معتقدند، کشور فرانسه تا ۲۰۴۸ به یک «جمهوری اسلامی» تبدیل خواهد شد، و آلمان در مسیر تغییر به یک «دولت اسلامی» تا سال ۲۰۵۰ است.

مرکز تحقیقات PEW در رابطه با آینده ادیان در جهان نیز برآورد کرده است که جمعیت مسلمانان اروپا تا سال ۲۰۵۰ با جمعیت مسیحیان در اروپا برابر می‌شود. از لحاظ کمی، مؤسسات

آمارگیری پیش‌بینی می‌کنند که جمعیت مسلمانان اروپا از ۴۴/۱ میلیون نفر در ۲۰۱۰ تا ۵۸/۲ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ رشد داشته باشد. بیشترین افزایش - که عمدتاً ناشی از تداوم مهاجرت‌هاست - احتمالاً در اروپای غربی و شمالی رخ خواهد داد که مسلمانان ساکن در برخی از کشورها به درصد دورقمی نزدیک می‌شوند. پیو پیش‌بینی می‌کند در سال ۲۰۳۰، جمعیت مسلمانان بیش از ۱۰ درصد از کل جمعیت ۱۰ کشور اروپایی از جمله فرانسه و بلژیک را تشکیل دهد. برخی پیش‌بینی می‌کنند در چند دهه آینده، برخی از شهرهای بزرگ اروپایی، اکثریت مسلمان داشته باشند. افرادی نظیر لورنتس معتقدند: «در سال ۲۰۳۰ تعداد کمی از شهرهای اروپایی به داشتن «اکثریت مسلمانان» مشرف می‌شوند. شهرهایی نظیر آمستردام، برادفورد، مالمو و مارسل اینگونه‌اند، همچین از هر چهار نفر یک نفر در شهرهای لندن، بروکسل، پاریس و برلین مسلمان خواهد بود». (Laurence, 2010: 123)

از طرف دیگر امثال دیوید کالمان^۱ جمعیت‌شناس معتقدند تا قرن بیست و دو در هیچ‌کدام از کشورهای اروپایی «اکثریت خارجی‌تبارها» به وجود نخواهد آمد. (Coleman, 2005: 422)

همان‌طور که آمارها نشان داد مسلمانان اکنون حدود ۵ درصد جمعیت اروپا را تشکیل می‌دهند. بخش زیادی از افزایش جمعیت، مربوط به نرخ مهاجرت بوده نه باروری. یکی از دلایل این امر ظهور نسل دوم و سوم مهاجران در اروپا است: «به طور مثال بر طبق آمار اخذشده در سال ۲۰۰۱ در انگلستان، ۴۶ درصد از مسلمانان ساکن در این کشور در انگلستان زاده شده‌اند». (Westoff and Frejka, 2007: 787)

اما برخی بالاتر بودن نرخ باروری مسلمانان در اروپا نسبت به غیرمسلمانان اروپایی را نشانه‌ای از بالاتر بودن اعتقادات مذهبی در میان مسلمانان می‌دانند. مسلمانان اروپایی به‌طور تقریبی سه‌باربر سایر اروپایی‌ها فرزند دارند که این نکته از آمار نوجوانان نیز مشخص می‌شود. به‌طور مثال، در آلمان یک‌سوم مسلمانان زیر ۱۸ سال دارند، درحالی که یک‌پنجم کل جمعیت آلمان زیر ۱۸ سال دارند. در انگلستان و بلژیک، یک‌سوم مسلمانان زیر ۱۵ سال دارند، اما در این کشورها یک‌پنجم کل جمعیت زیر ۱۵ سال دارند. به همین دلیل است که برنت نیلسون^۲ استاد دانشگاه فورمان^۳ و متخصص مسائل مذهبی در اروپا چنین تحلیل می‌کند: «به علت وضعیت پراکندگی سنی جمعیت مسلمانان، اگر همین فردا هم مهاجرت متوقف شود، باز رشد جمعیت آنها ادامه خواهد یافت». با روند موجود جمعیت ۴۵۵ میلیونی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۵۰ به ۴۲۵ میلیون تنزل خواهد کرد حتی اگر همین میزان مهاجرت ادامه داشته باشد.

1. David Coleman.

2. Brent Nilsen.

3. Furman University.

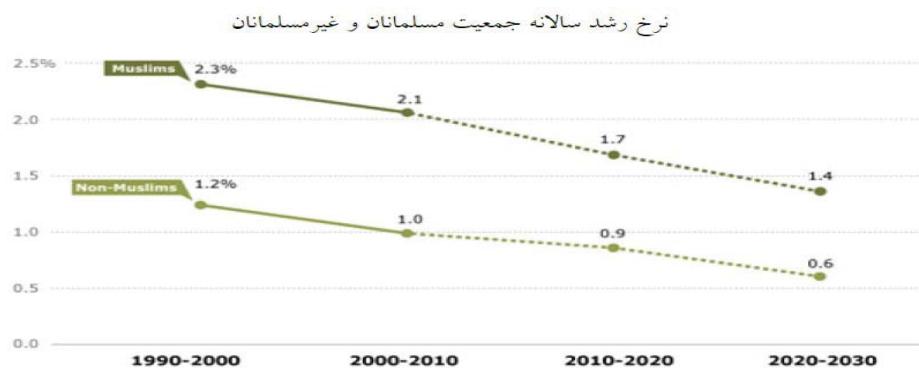
برخلاف آنچه تبليغ مىشود، روند زاد و ولد و باروری مسلمانان در طول سدهه گذشته، روند کاهشی داشته و شيب آن در حال کم شدن است. بهطور مثال «شاخص^۱ TFR در زنان انگلیسي از ۲/۳ تولد به ازاي هر زن در سال ۱۹۷۱ به ۱/۶۷ در سال ۱۹۹۶ کاهش يافته درحالی كه اين آمار در مدت زمانی مشابه در ميان ساکنان هندی الاصل انگلستان از ۴/۳ به ۲/۲۱ و در ميان پاکستانیها و بنگلادشیها از ۴/۹ به ۹/۳ کاهش يافته است. (Ibid: 792) در سال ۲۰۰۸ نرخ باروری زنان مسلمان با پيش زمينه شمال آفریقا، غرب آفریقا يا ترکيه بين ۲/۳ تا ۳/۳ فرزند به ازاي هر زن بود. اما نرخ باروری زنان مسلمانی که در اروپا به دنيا آمده اند (نسل دوم) با آنهایي که در وطن اصلی خود به دنيا آمده اند (نسل اول) بسیار متفاوت است. ضمناً در برخی از نقاط اروپا نرخ باروری افزایش داشته است. مثلاً نرخ باروری زنان انگلیسي از ۱/۶ فرزند در سال ۲۰۰۶ به ۱/۹ در سال ۲۰۰۷ رسید و در فرانسه از ۱/۷ در سال ۱۹۹۳ به ۲/۱ در سال ۲۰۰۷ رسید. بهره حال پيش بینی میشود نرخ باروری زنان مسلمان در سال ۲۰۳۰ در اروپا بين ۱/۷۵ تا ۲/۲۵ فرزند باشد. (Laurence, 2010: 126) پس همان طور که ملاحظه میشود نرخ باروری هم در ميان مسلمانان و هم در ميان اروپائي های بومي کاهش يافته، اما نكته آن است که اختلاف شاخص TFR ميان مسلمانان اروپائي و اروپائي های بومي به طور مستمر کاهش يافته است. به عبارت ديگر نرخ باروری مسلمانان در حال کاهش به سمت نرخ باروری اروپائي های بومي است. (Westoff and Frejka, 2007: 807)

مهاجرت به کشورهای اروپائی غربی نیز با وجود قوانین متعدد خدمه‌اجرتی همچنان ادامه دارد. فرانسه در سال ۲۰۱۰ روند مشخص قابل پيش بینی از ۶۶۰۰۰ مهاجر مسلمان از شمال آفریقا داشت. همچنین تخمین زده میشود بيش از يك‌چهارم (۲۸/۱ درصد) کل مهاجران جدید‌الورود به انگلستان در سال ۲۰۱۰ مسلمانان باشند. آلمان نیز در سال ۲۰۱۶ برای چهارمین سال پیاپی، اکثریت تقاضای های پناهندگی را ثبت کرده است. (۶۷۵ هزار درخواست)

کاهش شتاب رشد جمعیت مسلمانان

باين حال، رشد جمعیت مسلمانان اروپا، طی دهه‌های اخير با کندی پيش رفته است و احتمالاً طی ۲۰ سال آينده کاهش خواهد يافت. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ جمعیت مسلمانان جهان با ميانگين نرخ سالانه ۲/۳ درصد رشد يافته است. نرخ رشد از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۰۰ به ۲/۱ درصد کاهش يافته و پيش بینی حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به ۱/۷ درصد و از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ به ۱/۴ درصد نیز با افت محسوسی رو به رو شود.

1. TFR: Total Fertility Rates.



در تحلیل کلی باید گفت مسیر تغییرات دموگرافیک اروپا برگشت‌ناپذیر است، ولی نه در شکل اغراق نمایی اوراییا. مروجان ادبیات اوراییا به جای آنکه تحلیل جمعیت‌شناسی منطقی ارائه دهنند نوعی اسلام‌هراسی اجتماعی را پیگیری می‌کنند. واقعیت آن است که کاهش مستمر نرخ باروری در میان مسلمانان به موقعیت و ترکیب سنی جمعیتی آنها لطمه خواهد زد، اما در صورت به تعادل رسیدن و میرا شدن در وضعیت فعلی با توجه به افزایش سطح رفاه آنان، وضعیت مناسبی در چشم‌انداز پیش‌روی مسلمانان اروپایی خواهد بود. سیر تغییرات جمعیتی نشان می‌دهد آن‌گونه که اسلام‌هراسان می‌گویند تا ۱۰ سال آینده بیش از ۴۰ درصد جمعیت اروپا مسلمان نخواهد بود. امروزه در واقعیت تنها بین ۵ تا ۷ درصد و حداقل ۱۰ درصد از جمعیت اتحادیه اروپا مسلمان هستند. اما مسلمانان در وضعیتی قرار دارند که چشم‌انداز تاثیرگذاری آنها در فضای اروپا به لحاظ جمعیتی، نشاط جوانی و هویت فعال مذهبی روبه رشد خواهد بود. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۲۵۶)

باین‌حال، مسلمانان طی سال‌های آتی، کسر قابل توجهی از جمعیت کشورهای اروپایی را خواهند داشت. در سال ۲۰۳۰ درصد مسلمانان در فرانسه و آلمان بین ۱۵ تا ۱۶ درصد خواهد بود. در سال ۲۰۳۰ جمعیت اقلیت‌های کشور انگلستان با احتساب اقلیت‌های غیرمسلمان به ۳۷ درصد جمعیت انگلستان خواهد رسید که ۳۶ درصد از آنها زیر ۱۴ سال خواهند داشت. (Laurence, 2007: 125) این جمعیت جوان و پرانگیزه طبیعتاً در سال‌های بعدی حضور و نقش دین در غرب را افزایش خواهد داد.

نتیجه

آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی: ترکیبی از سکولارسازی و تکثیرگرایی فرهنگی بنابر آنچه گفته شد، محتمل‌ترین پیش‌بینی ترکیبی از رهیافت‌های مختلف برای آینده اسلام و

مسلمانان در اروپای غربی است. بی تفاوتی و رویگردانی سیاسی و بسته کردن به مناسک و عبادات اسلامی، آینده شمار کثیری از مسلمانان است. تداوم روند سکولارسازی و اسلامه راسی و تبعیض، بخش بزرگی از مسلمانان را به سمت اسلام فردی و خصوصی (منحصر در عبادات) و اسلام سکولار و بدون شریعت سوق خواهد داد تا بتوانند به بقای خود در جامعه انحصارگرای اروپای غربی خصوصاً در فرانسه و بلژیک ادامه دهند. از سویی، بخش دیگری از مسلمانان همچنان به رعایت حدود شرعی و اسلامی خود پاییند خواهند ماند و تلاش خواهند کرد دولتها را وادرار به احترام به تکرگرایی و حفظ حقوق اقلیت اسلامی نمایند. خصوصاً در آلمان و انگلستان. هردو رفتار ازدواجی و سلفی گرایی همچون امروز، اقلیتی از مسلمانان را جذب خواهد کرد و عملیات‌های تروریستی چه تروریسم تکفیری و چه تروریسم سکولار در جامعه اروپای غربی تشید خواهد شد. به طور کلی نسبت مستقیمی بین اسلامه راسی و اعمال فتنار و تبعیض علیه مسلمانان با افزایش تروریسم تکفیری و تروریسم سکولار و نامنی جامعه غرب وجود دارد. توقف اسلامه راسی، و ایجاد امواج مثبت رسانه‌ای در نمایش همسویی و همزیستی و دوستی مسلمانان با اروپاییان، کمک بزرگی به کاهش خشونت‌گرایی در هردو طیف مسلمان و لائیک خواهد بود.

در این میان، آنچه می‌توان این سرنوشت و چشم‌انداز را تغییر دهد، عوامل شگفتی‌ساز است. اینکه عامل شگفتی‌ساز از سوی مسلمانان یا از سوی سکولارها صورت گیرد، معادلات را به نفع طرف مبتکر تغییر خواهد داد. وقوع حادثه‌ای همچون ۱۱ سپتامبر، وقوع عملیات‌های متعدد و زنجیره‌ای تروریستی و کشتار بی‌گناهان زیادی از غیرمسلمانان اروپایی، می‌تواند مثال‌هایی از شگفتی‌سازهای سکولار باشد.

در آن سو، وقوع یک عملیات خون‌بار تروریسم سکولار و قربانی شدن مسلمانان بی‌گناه، اسلام آوردن خیل بزرگی از چهره‌های سرشناس خصوصاً چهره‌های هنری و ورزشی و یا چهره‌های اسلام‌ستیز سیاسی، به راه افتادن کمپین‌های مجازی و حقیقی مثلاً برنامه بزرگ اعطای خیریه و کمک در مناسبتهای مذهبی همچون ماه رمضان و ماه محرم و ... برگزاری مناظره‌های هیجان‌انگیز بین مبلغان مسلمان و مبلغان بی‌خدایی و ... هر کدام می‌تواند معجزه‌ای شگفت‌آور برای سنگین شدن وزنه اسلام‌گرایی و مسلمانان در اروپای غربی باشد.

این عامل شگفتی‌ساز، می‌تواند با همان پیشگویی آسمانی قرآن کریم در آخرین سوره این کتاب الهی منطبق باشد. سوره مبارکه نصر: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْأَنْتُمُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبَّبُوكَ يَحْمِدُ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرُهُ إِلَهُ كَانَ تَوَآبًا».

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. اندیشکده اشرف، ۱۳۹۰، آینده جمعیت مسلمان جهان، ترجمه از اندیشکده اشرف، اردبیلشت.
۲. برایسون، ریچارد، ۱۳۹۱، برنامه‌ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، تهران، آرینا قلم، چ. ۲.
۳. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۹۴، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، مطالعات راهبردی، چ. ۲.
۴. خزایی، سعید و امیر محمودزاده، ۱۳۹۳، آینده پژوهی، شاهین شهر، نشر علم آفرین.
۵. دفتر مطالعات و پژوهش‌های اداری، ۲۰۱۴، آشنایی با مبانی آینده پژوهی، مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه آینده‌نگری.
۶. روآ، اولیویه، ۱۳۸۷، اسلام جهانی شده، ترجمه دکتر حسن فرشتیان، قم، بوستان کتاب.
۷. صفوی همامی، سید حمزه، ۱۳۹۲، همگوایی فرهنگی در اتحادیه اروپا و هویت مسلمانان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۸. مجیدی محمدرضا و محمد Mehdi صادقی، ۱۳۹۳، اسلام‌های غربی؛ واکاوی تحلیلی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بازاندیشی مولفه‌های تاریخی و نظری آن، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹. ملکی فر، عقیل، ۱۳۸۶، سینیارشناختی با آینده پژوهی و آینده‌تکاری دفاعی، تهران، اندیشکده آصف.
۱۰. هابرمانس، یورگن، ۱۳۸۱، «زبان دین و زبان سکولار»، مجله معرفت، ش. ۵۷، مصاحبه کننده حجت‌الاسلام دکتر علی مصباح و پروفسور محمد لنگه‌هاوزن، شهریور.
- ۱۱.وحیدی مطلق، وحید، ۱۳۸۷، سناریوتکاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی ارزی.
12. Bangstad, Sindre, 2009, “*Contesting Secularism, Secularism and Islam in the Work of Talal Asad*”, the Anthropological Theory, SAGE Publications, Vol 9 (2).
13. Berger Peter, 1967, "A Sociological View of the Secularization of Theology", Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 6, No. 1, Spring, p. 3-16.
14. Carr, Matt, 2006, *You Are Now Entering Eurabia*, Race&Class, Vol. 48, No. 1
15. Coleman, D. A. and S. Scherbo, 2005, “*Immigration and ethnic change in low-fertility societies—towards a new demographic transition?*”, paper presented at the annual meeting of Population Association of America, Philadelphia.
16. Caldwell, Christopher, 2004, Islamic Europe? When Bernard Lewis Speaks, *The Weekly Standard*.
17. Cornish, Edward., 2003, "The Wild Cards in our Future", *The Futurist*.
18. Dassetto, F., 2004, *Islam du nouveau siècle*, Bruxelles: Editions Labor.
19. Documentation of Euro-Islam Conference Stockholm, 1995.
20. Fukuyama, Francis, 2006, “Identity, Immigration & Democracy”, *Journeil of Democracy*, Vol. 17, No. 2.

21. Roy, Olivier, 2003, "Euroe – Islam: The Jihad Within?", *National Interest*, Spring, Adler & Ziglio, *E. Gazing into the Oracle: The Delphi method and its application to social policy and public health.*
22. Graham, Murry, 2006, "France: the riots and the Republic", *Race and Class, Institute of Race Relations.*
23. aurence, JONATHAN, 2010, "*European Islam In the Year 1451*" of "EUROPE 2030", Brookings Institution Press, Washington, D.C.
24. Kaya, "Individualization and Institutionalization of Islam in Europe in the Age of Securitization", *Insight Turki*, Vol. 12, No. 1, 2010.
25. Lewis, Bernard, 2007, Europe and Islam, American Enterprise Institute.
26. Mortimer, 1999, "Christianity and Islam", *International Affairs CHATHAM HOUSE*, Vol. 67, No.1.
27. Peter, Frank,2006, "Individualization and Religious Authority in Western European Islam", *Islam and Christian-Muslim Relations*.
28. Nilsen, Jorgen, 1999, *Towards a European Islam*, Macmillan Press, London.
29. Rabasa and others, 2007, Buizdirag Moderate Muslim Networks, *Rand center for middle East Public Policy*, at:
https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2007/RAND_MG574.pdf.
30. Soysal, Y. N., 1997, "Changing Parameters of Citizenship and Claims - Making: Organized Islam in European Public Spheres", *Kluwer Academic Publishers, Theory and Society*, vol. 26, No. 40.
31. *The Future of the Global Muslim Population-translation*, January 27, 2011.
32. estoff and Frejka, 2007, "Religiousness and Fertility Among European Muslims", *Population and Development Review*.